


 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/marefateeqtasadi.2026.5002175

 20.1001.1.17354545.1404.23.2.1.8

The Ideal Model of Financing Marriage with Emphasis on Housing

✉ **Seyyed Rouhollah Nourbakhsh**  / PhD Research Fellow, Imam Khomeini Educational and Research Institute sr.noorbakhsh@gmail.com

Seyyed Kazem Rajaei / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute rajaii@iki.ac.ir

Gholamali Masouminia / Associate Professor, Department of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University masouminia@khu.ac.ir

Omid IZANLOO / PhD in Economics, Imam Khomeini Education and Research Institute

Received: 2025/08/02 - Accepted: 2026/01/15

omidezanlo@gmail.com

Abstract


Society needs to form a family as a sacred and safe institution to raise a righteous person. In recent decades, Iran has faced a marriage crisis in which the problem of housing plays an important role. This research aims to design a local model for financing marriage, especially to solve the housing crisis. In this article, using an analytical-descriptive approach and relying on Islamic principles, the model of "the state and the people" is presented. This model places the family at the center of a comprehensive cooperation and, by combining financial resources and networks of trust and cooperation People's solidarity and kinship, and the integration of traditional mechanisms with modern policies, seeks to utilize people's capacities to remove structural barriers. For this purpose, five sub-strategies are introduced under the grand strategy of assistance. Land transfer is identified as the main driving force and culture building and empowerment are identified as essential platforms for this strategy. The ultimate goal is to create a justice-oriented, sustainable and efficient path to facilitate marriage and strengthen the family center.

Keywords: Financing, marriage, family, housing, government-people assistance, land transfer

JEL Classification: Z23, P42, O18

الگوی مطلوب تأمین مالی مطلوب ازدواج با تأکید بر تأمین مسکن

sr.noorbakhsh@gmail.com

سیدروح‌الله نوربخش  / دانش‌پژوه دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

rajaii@iki.ac.ir

سیدمحمد کاظم رجائی / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

masuminia@khu.ac.ir

غلامعلی معصومی نیا / دانشیار گروه آموزشی اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی

omidezanlo@gmail.com

امید ایزانلو / دکتری اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵

چکیده

جامعه برای تربیت انسان صالح نیازمند تشکیل خانواده به‌عنوان نهادی مقدس و امن است. در دهه‌های اخیر، ایران با بحران ازدواج مواجه بوده که مشکل تأمین مسکن نقش مهمی در آن ایفا می‌کند. این پژوهش با هدف طراحی الگویی بومی برای تأمین مالی ازدواج، به‌ویژه حل بحران مسکن شکل گرفته است. در این مقاله، با استفاده از رویکرد تحلیلی - توصیفی و با اتکا به مبانی اسلامی، الگوی «معیت دولت و مردم» ارائه شده است. این الگو خانواده را در مرکز یک همکاری همه‌جانبه قرار می‌دهد و با تلفیق منابع مالی و شبکه‌های اعتماد و همکاری مردمی و همبستگی خویشاوندی، و ادغام سازوکارهای سنتی با سیاست‌های مدرن، درصدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی برای رفع موانع ساختاری است. بدین منظور پنج راهبرد فرعی ذیل کلان راهبرد معیت معرفی می‌شود. واگذاری زمین به‌عنوان ابزار محرک اصلی و فرهنگ‌سازی و توانمندسازی به‌عنوان بستری ضروری این راهبرد شناسایی شده است. هدف نهایی، ایجاد مسیری عدالت‌محور، پایدار و کارآمد برای تسهیل ازدواج و تقویت کانون خانواده است.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی، ازدواج، خانواده، مسکن، معیت دولت - مردم، واگذاری زمین.

طبقه‌بندی JEL: Z23، P42، O18.

مقدمه

خانواده به‌عنوان نهادی فطری و الهی، در ساختار اجتماعی جامعه نقشی اساسی و بنیادین ایفا می‌کند و به‌منزله مهم‌ترین سازمان اجتماعی، بازتاب‌دهنده کل جامعه و کانون اصلی انتقال ارزش‌ها، فرهنگ و سرمایه‌های انسانی به نسل‌های آینده است. در نظام معرفت‌شناختی اسلام، اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده بارها مورد تأکید قرار گرفته است؛ از جمله در آیه ۳۲ سوره نور که نه‌تنها توصیه، بلکه حکم تکلیفی بر تلاش جامعه و حکومت در فراهم ساختن زمینه‌های ازدواج برای مجردان است. این تکلیف معطوف به مسئولیت همگانی است که تأمین شرایط ازدواج را به وظیفه‌ای شرعی و اجتماعی تبدیل می‌کند. افزون بر آن، ازدواج نقش مهمی در ارتقای تعادل روان‌شناختی افراد، افزایش خویشتن‌داری و بهبود کیفیت روابط اجتماعی ایفا می‌کند. بنابراین تسهیل تشکیل خانواده نه‌تنها از منظر شرعی، بلکه از حیث منافع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز امری حیاتی و غیر قابل انکار است و بدون وجود خانواده‌های سالم و مستحکم، پویایی و ثبات پایدار جامعه با چالش‌های اساسی مواجه خواهد شد.

روبارویی با مسئله خانواده، مستلزم نگاهی چندجانبه و میان‌رشته‌ای است که وجوه حقوقی، اجتماعی، روانی، تربیتی، اقتصادی و سیاسی آن را به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار دهد. از میان این ابعاد گوناگون، جنبه اقتصادی به‌ویژه تأمین مالی ازدواج و به‌ویژه بعد مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در امکان شکل‌گیری و استحکام خانواده ایفا می‌کند. جوانان در زمینه ازدواج به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای که با وجود تمکن مالی، به دلایل فرهنگی ازدواج را به تأخیر می‌اندازند؛ دسته‌ای که علی‌رغم وضعیت اقتصادی نامطلوب، تحت تأثیر عوامل فرهنگی ازدواج می‌کنند؛ و دسته میانی که تنها در صورت فراهم بودن شرایط اقتصادی اقدام به ازدواج می‌نمایند. این گروه بیشترین تأثیرپذیری را از عوامل اقتصادی دارد و تغییر در نرخ ازدواج عمدتاً از طریق این گروه محقق می‌شود. بنابراین از این مسیر، تمرکز بر راهکارهای اثربخش در حوزه تأمین مسکن و دیگر هزینه‌های ازدواج می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در تسهیل ازدواج و تقویت بنیان خانواده‌ها ایفا کند. از این جهت است که تلاش جامعه برای فراهم کردن زمینه‌های ازدواج مؤثر واقع می‌شود و مطابق آیه شریفه ۳۲ سوره نور، جامعه نسبت به آن مکلف هم شده است.

هزینه‌های ازدواج شامل طیف گسترده‌ای از تأمین جهیزیه و مراسم آیینی تا مسکن و ایجاد اشتغال است که در شرایط اقتصادی کنونی، به‌ویژه در حوزه مسکن، به چالشی پیچیده تبدیل شده است. مسکن علاوه بر سهم قابل توجه در بودجه خانواده و جایگاه راهبردی در اقتصاد ملی، نقشی حیاتی در تشکیل خانواده دارد.

شواهد سال ۱۴۰۳ از نابرابری شدید بحران مسکن حکایت دارد. سهم مسکن از هزینه‌های غیرخوراکی خانوارهای شهری به‌طور متوسط حدود ۵۶ درصد است، اما این رقم در دهک کم‌درآمد اول به حدود ۹۰ درصد می‌رسد که نشانگر تخصیص تقریباً کامل درآمد غیرخوراکی فقیرترین قشر به مسکن است (مرکز آمار ایران،

۱۴۰۳). در تهران، این سهم حدود ۴۸ درصد (حدود ۱۸ درصد بیش از استاندارد جهانی) بوده و نرخ اجاره‌نشینی کم‌درآمدها تقریباً دوبرابر دهک ثروتمند است. دوره انتظار خانه‌دار شدن به چندین دهه افزایش یافته و خانوارها ناگزیر به حذف هزینه‌های ضروری شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳).

تحلیل سازوکارهای تأمین مالی ازدواج در ایران نشان می‌دهد که نظام موجود در این حوزه دچار نوعی گسست ساختاری و کارکردی است. از یک‌سو، الگوهای سنتی و مردمی که در گذشته بر پایه سرمایه اجتماعی، همیاری خویشاوندی و مشارکت جامعه محلی شکل گرفته بودند، به تدریج تحت تأثیر فشارهای اقتصادی، افزایش هزینه‌های زندگی، بحران مسکن و ضعف حمایت نهادی، کارکرد مؤثر خود را از دست داده‌اند؛ از سوی دیگر، سیاست‌های حاکمیتی و برنامه‌های دولتی، هرچند با نیت‌های حمایتی و در چارچوب سیاست‌های رفاهی تدوین شده‌اند، اما به دلیل تمرکزگرایی، ناهماهنگی بین‌بخشی - به‌ویژه میان سیاست‌های حوزه خانواده، اشتغال و مسکن - و رویکردهای مقطعی و بخشی‌نگر، در تحقق اهداف خود ناکام مانده‌اند؛ از این رو طراحی یک الگوی منسجم و علمی، برای تأمین مسکن جوانان، به یک ضرورت پژوهشی و عملی تبدیل شده است.

پیشینه

مطالعات حوزه تأمین مالی مسکن و ازدواج رویکردهای متنوعی ارائه کرده‌اند. بت‌شکن و ملک (۱۴۰۱) با مرور تجارب جهانی، الگویی مبتنی بر نظام مالی ایران پیشنهاد داده‌اند، لکن نقش مردم و شبکه‌های اجتماعی را کمتر مورد توجه قرار داده است. زیاری و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مطالعه سیاست‌های تأمین مسکن کم‌درآمدها، بر محور دولت و نظام بانکی تمرکز کرده‌اند.

در حوزه سنت‌های بومی، صادقی و احمدزاده (۱۳۹۹) و افشار و همکاران (۱۳۹۸) به ترتیب «سنت شاباش» و «شیربها» را بررسی کرده‌اند که اگرچه از منظر حقوقی و فقهی قوی هستند، اما در تحلیل کارکردهای اقتصادی - اجتماعی معاصر ضعف دارند.

از منظر اجتماعی - اقتصادی، مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) و راستی‌زائی (۱۳۸۵) عوامل اقتصادی و فرهنگی را در تأخیر ازدواج مؤثر دانسته‌اند؛ درحالی‌که فعله‌گری و همکاران (۱۳۹۷) بر عوامل خانوادگی و ساختاری تأکید بیشتری داشته‌اند.

در حوزه سیاست‌گذاری، خان‌محمدی و همکاران (۱۴۰۳) بر ضرورت تأمین مالی تأکید کرده‌اند و موسوی لقمان و همکاران (۱۳۹۸) بر فقدان چارچوب نظری منسجم اشاره نموده‌اند. مطالعه تونون (۲۰۱۱) نیز ترکیب سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را پیشنهاد می‌دهد. اسدی و همکاران (۱۴۰۰) با تحلیل کارکردهای اقتصادی خانواده در اقتصاد اسلامی، هدف اصلی خانواده را تربیتی و معنوی معرفی کرده‌اند. محقق داماد (۱۳۹۹) نیز ماهیت کنونی جهیزیه را مورد نقد حقوقی قرار داده است.

جمع‌بندی مطالعات نشان می‌دهد ادبیات موجود فاقد رویکردی جامع برای تعریف نقش‌های نهادهای حکومتی و کنشگران اجتماعی است. این خلأ، طراحی الگویی جامع را ضروری می‌سازد که تعاملات دولت، نهادهای مالی، خانواده و شبکه‌های خویشاوندی را به‌طور متوازن سازماندهی کند. حل معضل ازدواج و مسکن جوانان مستلزم گذار از الگوهای تک‌بعدی به چارچوبی جامع، بومی و هم‌افزاست که تعامل سازنده‌ای بین ظرفیت‌های مردمی و نقش هدایت‌گرانه حاکمیت برقرار می‌کند. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که: «الگوی مطلوب تأمین مالی مسکن ازدواج در چارچوب همراهی دولت و مردم چیست؟» و درصدد است با روش تحلیل محتوای کیفی و با تلفیق روش قیاسی (برای استنباط اصول کلان) و روش استقرایی (برای بررسی مصادیق عینی در سیره نبوی)، الگویی مشتمل بر مبانی، اصول طراحی راهبردها، کلان راهبرد، راهبردهای فرعی و راهکارها را به‌عنوان الگوی مطلوب پیشنهاد نماید. بدین منظور، مقاله حاضر «الگوی معیت دولت - مردم» را به‌عنوان چارچوب کلان معرفی نموده و راهبردهای فرعی، سازوکارهای عملیاتی، بسترهای اجرایی و همچنین چالش‌ها و محدودیت‌های اجرایی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

مبانی و اصول

خانواده در اندیشه اسلامی، بنیادی‌ترین نهاد انسانی و نخستین بستر اجتماعی شدن افراد است که علاوه بر تأمین نیازهای طبیعی، کارکردی قدسی در تربیت انسان صالح دارد. قرآن خانواده را عنصر محوری جامعه می‌داند (نساء: ۱). بر این اساس، توانمندی یا اخلال در آن، مستقیماً بر کلیت نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارد.

از منظر اسلامی، ازدواج تنها پاسخ به نیازهای زیستی و عاطفی نیست، بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به آرامش وجودی و تکامل معنوی است. قرآن در آیه ۲۱ سوره روم ازدواج را مایه سکون معرفی کرده و روایات نیز بر نقش آن در تقویت دین‌داری تأکید دارند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹). بر این اساس، خانواده در نگاه اسلام، بستر پرورش انسان صالح و نهادی تمدن‌ساز است که تداوم و پیشرفت جامعه را تضمین می‌کند. در این مسیر، همه افراد به‌اندازهٔ وسع خود مسئولیت دارند (نور: ۳۲؛ بقره: ۲۸۶؛ طلاق: ۷)، و تشکیل خانواده بر پایه‌ای از مسئولیت‌های تدریجی و شبکه‌ای استوار شده است.

در آموزه‌های اسلامی، مسئولیت تشکیل خانواده تنها بر عهدهٔ زوجین نیست، بلکه در چارچوب شبکه‌ای از پیوندهای خویشاوندی و اجتماعی تعریف می‌شود. خویشاوندان بر اساس فطرت مؤدت و رحمت (روم: ۲۱) و تکلیف شرعی حراست از سلامت دینی فرزندان (تحریم: ۶) در این مسیر مشارکت می‌کنند و اعضای جامعه نیز در مسئولیت‌های حیاتی مانند ازدواج، متقابلاً مسئول و یاریگر یکدیگرند.

این شبکهٔ حمایتی به جهت قرابت خویشاوندی و به جهت قرابت مکانی - در همسایگان - اطلاعات کامل‌تری

دارد؛ لذا می‌تواند شکاف اطلاعاتی بین نیاز زوجین و نهادهای حامی را کاهش داده و با افزایش کارآمدی، اعتماد خیرین و سرمایه اجتماعی را تقویت کند. در این منظومه، والدین، خویشاوندان و همسایگان هریک به دلیل جایگاه و شناخت خاص خود، نقش مؤثری در پشتیبانی از جوانان دارند. این یاری‌رسانی علاوه بر کمک به تشکیل خانواده، موجب برکت در زندگی خود ایشان نیز می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۵۰).

چنانچه زوجین و خانواده آنان از ایفای نقش حمایتی بازمانند، مسئولیت به سطح گسترده‌تر، یعنی جامعه ایمانی منتقل می‌شود. مبتنی بر آیات ۱۰ سورة حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و ۹۶ سورة مریم «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»، می‌توان پایه‌های مسئولیت اجتماعی همگانی را در قبال نیازهای اساسی اعضای جامعه، رابطه اخوت و مودت بین مؤمنان دانست که انگیزه لازم نقش‌آفرینی را در آنان ایجاد می‌کند. در سطح کلان، این تکلیف متوجه دولت اسلامی است که شهید صدر آن را ذیل مفهوم «ضمان اجتماعی» تبیین می‌کند. بر اساس این اصل، حکومت اسلامی موظف است سطح کفاف از زندگی را برای همه شهروندان فراهم کند (صدر، ۱۴۴۳ق، ص ۱۱۲).

این رویکرد در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز بازتاب یافته است. اصل ۳۱ قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده دانسته و دولت را موظف به تحقق آن می‌سازد. امام خمینی علیه السلام نیز در فرمان تشکیل بنیاد مسکن، بر ضرورت تأمین این حق تأکید کرده و دولت و مردم را به مشارکت در این مسئولیت فراخواندند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۵۱۹). بدین ترتیب، تأمین مالی ازدواج، به‌ویژه در حوزه مسکن، مسئولیتی اجتماعی حکومتی است که مستلزم همکاری تمام سطوح جامعه است و با توجه به آنکه در اسلام، میزان تکلیف به میزان وسع و توان، ارتباط دارد، پس این تکلیف سلسله‌مراتبی نیز هست؛ زیرا خود زوجین اصالتاً و اولاً مسئول هستند؛ چون تا آنان نخواهند، ازدواج تحقق پیدا نمی‌کند، و نیز پدر و مادر به جهت امکانی که به لحاظ تربیتی برایشان فراهم است و نیز به جهت تکلیف خاصشان در حفظ دین‌داری فرزندان، در رتبه بعد باید پاسخگو باشند و حکومت و اغنیا نیز مسئولیت بیشتری دارند و به‌طور کلی هر گروه به جهت قوت مالی، اطلاعاتی، قوت اثرگذاری و قرابت و نظیر آن به‌نحوی مسئولیت بیشتری بر عهده آنان است. اگرچه نهادهای متعدد بر اساس مبانی فطری، شرعی و عرفی مکلف به ایفای نقش هستند، اما این تکثر نهادی در صورت فقدان انسجام و هم‌افزایی، به پراکندگی منابع و شکست در تحقق اهداف می‌انجامد، یعنی نیاز به شبکه‌ای از همکاریها وجود دارد. بنابراین تأمین مالی ازدواج، «مسئولیتی همگانی، شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی» است که از زوجین آغاز شده و با دربرگیری خانواده، خویشاوندان، جامعه محلی و در نهایت حکومت اسلامی، ساختاری جامع و یکپارچه را تشکیل می‌دهد.

در سطح کلان، الگوی مطلوب تأمین مالی ازدواج باید هم‌زمان سه هدف بنیادین نظام اسلامی؛ یعنی رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و تعالی معنوی را محقق سازد.

نتیجه اینکه الگوی مطلوب تأمین مالی ازدواج باید: ۱. تعریف‌کنندهٔ وظیفه دولت - مردم و شبکهٔ مسئولیت بین نهادها؛ ۲. محقق‌کنندهٔ هم‌زمان رشد، عدالت و معنویت (پوشش‌دهندهٔ هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده)؛ ۳. جامع، متناسب و منعطف با گروه‌های مختلف زوجین باشد. تحقق این ویژگی‌ها از مسیر کلان راهبرد معیت دولت - مردم، قابل دستیابی است که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

کلان راهبرد معیت دولت - مردم در تأمین مالی ازدواج

حاکمیت اسلامی با توجه به اختیارات و ظرفیت‌های گسترده، مسئولیت‌سنجینی در تأمین مالی ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده بر عهده دارد، لکن تجربه‌های تاریخی و واقعیت‌های اجرایی نشان داده است که تأمین مؤثر نیازهای عمومی جامعه؛ مانند امنیت، آموزش، درمان، حمل‌ونقل، کشاورزی، صنعت، مسکن و حتی مقابله با بحران‌ها، جز در سایهٔ بسیج منابع اجتماعی و مشارکت فعال مردم به موفقیت نمی‌رسد و مقصود از آن به‌کارگیری منابع فردی، مالی و اجتماعی در یک اقدام جمعی است که طیف گسترده‌ای از همکاری‌های میان دولت، بخش خصوصی و جامعه را دربر می‌گیرد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

با این حال، در چارچوب اندیشهٔ اسلامی، سطحی عمیق‌تر و معنوی‌تر از این مشارکت مورد نظر است، و مناسب است با تعبیر «الگوی معیت امام و امت» از آن یاد شود؛ الگویی که در آن، بسیج حداکثری منابع انسانی و مالی امت اسلامی، با انگیزه‌های الهی و جهادی، در خدمت تحقق اهداف عام‌المنفعه و عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد. دولت و مردم دو سوی یک پیوند تعاملی، ایمانی و تکلیفی‌اند.

قرآن با فرمان‌هایی هماهنگ و مکمل، هم‌زمان مردم و دولت را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ از تعمیق ایمان و تقوا گرفته تا برقراری عدالت و رفع فقر. همان‌گونه که از مردم می‌خواهد زکات ببردازند، از رسول خدا ﷺ نیز در مقام ولایت فرمان می‌دهد که زکات دریافت کند؛ همچنین درحالی که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَأُمْرٌ لِّأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ»؛ به اجرای عدالت میان شما مأمورم، به مردم نیز فرمان «اعْدِلُوا»؛ عدالت‌پیشگی کنید، صادر شده است.

نوع مطلوب از رابطهٔ مردم و نظام حاکمیتی در نظام اسلامی، در ذیل قالب امر به تعاون بر «بِرِّ وَتَقْوَا» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۶۵؛ طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۴۶۵)، معیت با پیامبر ﷺ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ» و پشتیبانی مردم از همدیگر و پیامبر ﷺ «كَزْرَعٍ أُخْرِجَ شَطَآهُ فَأَزْرَهُ فَأَسْتَعْلَطَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ» (فتح: ۲۹) قرار می‌گیرد. از این منظر، همبازی دولت و مردم نه یک عمل اختیاری یا خیرخواهانه صرف، بلکه یک تکلیف شرعی - اجتماعی و در عین حال برپایه و لواء ولایت و عشق و محبت است که تحقق آن به سطح ایمان، آگاهی و کیفیت رابطهٔ متقابل میان حاکمیت و مردم وابسته است.

در سیرهٔ پیامبر اکرم ﷺ، الگوی معیت در بالاترین سطح آن تحقق یافته است. گرچه پیش از بعثت، پیمان

«حلف الفضول» به عنوان نمونه‌ای از همکاری جمعی در حمایت از مظلومان است (هاشمی بصری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰۳)، ولی پس از بعثت، همراهی مردم با پیامبر ﷺ در شکل عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر، در دوران سخت محاصره اقتصادی سیاسی شعب ابی طالب، با صبر، مقاومت و همکاری جمعی مؤمنان در سایه مدیریت الهی پیامبر ﷺ سپری شد (سبحانی صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۳). پیمان عقبه پیش از هجرت و مشارکت گسترده مهاجران و انصار در ساخت مسجد النبی و مسجد قبا، پس از هجرت (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۴) از نمونه‌های برجسته تحقق معیت و همیاری عمومی در قالب یک طرح اجتماعی بود.

در عرصه نظامی، غزوه خندق نمونه‌ای درخشان از تحقق راهبرد معیت بود؛ در شرایطی که دشمن از نظر نیرو و تجهیزات برتری آشکار داشت (ر.ک: واقعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۳)، حفر خندقی به طول حدود پنج کیلومتر، عرضی میان هفت تا ده متر و عمقی نزدیک به سه متر و با نیرویی کمتر از سه هزار نفر و در زمانی کوتاه، (ولوی، ۱۳۷۹، ص ۲) دلیل روشن در نقش فوق‌العاده معیت در حل پیچیده‌ترین بحران‌هاست.

جلوه‌های عملی دیگر این راهبرد، تأسیس نظام تکافل اجتماعی و عقد اخوت میان مهاجران و انصار بود که با ایجاد عقد اخوت و برادری و مشارکت اقتصادی، به کاهش فقر و نابرابری در جامعه نوپای اسلامی انجامید (حسین‌زاده یزدی، ۱۳۹۶، ص ۶۶؛ بحرانی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۰۸؛ ر.ک: حجرات: ۱۰).

راهبرد «معیت» بر سه پایه استوار است: مردم مسئولیت‌پذیر با روحیه جهادی؛ رهبری الهی که با مشورت و مدیریت فعال مردم را سازماندهی می‌کند؛ و رابطه تعاملی مبتنی بر اعتماد، مؤدت و خیرخواهی در چارچوب دولت مشروع اسلامی شواهد تاریخی مانند گشودن خانه‌های انصار به روی مهاجران و حتی اقامت خود پیامبر ﷺ در ابتدا در خانه یکی از آنان (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۰۰)، بیانگر آن است که بحران‌هایی نظیر کمبود مسکن با تکیه بر روح تعاون و همیاری مردمی قابل حل است. چنین الگویی، امروز نیز می‌تواند الهام‌بخش طراحی سازوکارهای نوین برای تأمین مالی ازدواج در جوامع اسلامی باشد، به‌ویژه در بخش مسکن که یکی از اصلی‌ترین موانع ازدواج به‌شمار می‌آید.

همراهی و همکاری نظام‌مند امت با رهبری، در تمامی عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز جریان دارد و کارآمد است. بنابراین راهبرد معیت دولت و مردم در تأمین مالی ازدواج نیز کارآمد خواهد بود و البته تحقق این معیت مبتنی بر درجه تربیت آحاد جامعه است؛ هرچه درجه تربیت توحیدی بیشتر باشد، درجه معیت مردم در انجام وظایف افزایش یافته و دولت چابک‌تر و کارآمدتر خواهد شد.

در این چارچوب، الگوی معیت دولت و مردم در تأمین مالی ازدواج، بر همکاری نهادی و هماهنگی چندسطحی میان بازیگران اصلی استوار است. پیوند کارکردی میان نهادها (زوجین و خانواده‌ها در سطح خرد، عموم مؤمنان در سطح اجتماعی، و دولت اسلامی در سطح کلان)، اساس محقق شدن «معیت» در دوران کنونی را تشکیل

می‌دهد و نشان می‌دهد که تأمین مالی ازدواج، تنها یک وظیفه دولتی نیست، بلکه مأموریتی مشترک، ایمانی و تمدنی است که در پرتو آموزه‌های وحیانی و از طریق تعامل سازنده بین دولت و مردم به ثمر می‌رسد.

نهادهای اصلی و منظومه وظایف در کلان راهبرد معیت

تحقق «کلان راهبرد معیت دولت و مردم در تأمین مالی ازدواج» مستلزم سازمان‌دهی دقیق نهادهای فعال در سطوح فردی، اجتماعی و حاکمیتی است، و بر چهار رکن اصلی استوار است: رکن نخست، زوجین به‌عنوان کنشگران اصلی، مسئولیت بنیان‌گذاری زندگی بر اساس ارزش‌های اسلامی را بر عهده دارند. این مسئولیت شامل نهادینه‌سازی فرهنگ ازدواج مبتنی بر توکل، قناعت و ساده‌زیستی، همراه با تلاش برای کسب درآمد حلال از طریق ارتقای مهارت‌های شغلی است؛

رکن دوم، خانواده و خویشاوندان با ارائه حمایت‌های مالی و اقتصادی نقش پشتیبان را ایفا می‌کنند. این حمایت از طریق انتقال سرمایه در قالب ارث، انفاق، هدایا و وقف، و نیز توانمندسازی زوجین با انتقال مهارت‌ها، ایجاد فرصت‌های شغلی و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های خانوادگی محقق می‌شود. استمرار پیوندهای خویشاوندی و عمل به صلّه رحم، پایداری این نظام حمایتی را تضمین می‌کند؛

رکن سوم، شامل عموم مؤمنین است که بر اساس تکلیف قرآنی «تعاونوا علی البرّ والتقوی» مسئولیت همکاری در رفع نیازهای اساسی جامعه را بر عهده دارند. این همکاری در سه حوزه اصلی صورت می‌پذیرد: همیاری مالی از طریق قرض الحسنه، وقف و صدقات هدفمند؛ مشارکت اقتصادی در فعالیت‌های مولد؛ و تأمین مسکن با بهره‌گیری از الگوهای نوین مانند مسکن تعاونی و استفاده از مسکن‌های مازاد و حتی مسکن اشتراکی رکن چهارم، حاکمیت اسلامی با بهره‌گیری از اختیارات و منابع عمومی، نقش هدایتگر، تنظیم‌گر و پشتیبان ساختاری را ایفا می‌کند. وظایف محوری دولت شامل واگذاری زمین برای مسکن و اشتغال، توسعه آموزش‌های مهارتی، تصویب قوانین حمایتی، تخصیص منابع مالی، و ترویج فرهنگ ازدواج اسلامی از طریق بازتولید الگوی اخوت و تقویت روحیه جهادی است.

هم‌افزایی این چهار رکن، شبکه‌ای جامع از همکاری چندسطحی ایجاد می‌کند که قادر به رفع موانع ساختاری ازدواج خواهد بود. این الگو، تأمین مالی ازدواج را از یک مسئله صرفاً اقتصادی به مأموریتی تمدنی ارتقا داده و در نهایت به احیای روح تعاون، عدالت و برادری در جامعه اسلامی منجر می‌شود.

راهبردهای فرعی و راهکارهای عملیاتی

ورود به سطح عملیاتی الگو، مستلزم تبدیل تعامل نظری دولت، خانواده و جامعه به راهبردهای فرعی اجرایی است. این راهبردها، ترسیم‌کننده شیوه‌های همکاری‌های عینی و متناسب با ظرفیت‌های هر گروه اجتماعی

می‌باشد؛ از این رو پنج گونه فرعی از راهبردهای معیت در تأمین مالی ازدواج معرفی می‌شود که هر یک بر نوع خاصی از همکاری فعالانه و چندسطحی میان دولت، خانواده، خویشاوندان، مردم و بخش خصوصی استوارند و از نظر ترکیب نهادی، منابع مالی و انگیزه‌ها تفاوت دارند. در همه این راهبردها نقش دولت و خود زوجین و خانواده آنان، تعریف شده است. با حضور یا عدم حضور نهادهای دیگر (خویشاوند، مردم جهادی، بخش خصوصی، بازارهای مالی) ترکیبات دیگر به دست می‌آید.

الگوی معیت با هدف کارایی حداکثری، توزیع عادلانه و جهت‌دهی هدفمند منابع، از یک رویکرد جامع و چندبعدی بهره می‌گیرد. هر راهبرد فرعی، با در نظرگیری شرایط اجتماعی - اقتصادی زوجین و ظرفیت‌های نهادی موجود، می‌تواند در قالب ترکیب‌های متفاوتی از همکاری تعریف و اجرایی شود.

۱. معیت دولت - خانواده (تمرکز بر توانمندسازی زوجین)؛

۲. معیت دولت - خانواده - خویشاوندان (تکیه بر پیوند خویشاوندی)؛

۳. معیت دولت - خانواده - مردم جهادی (محوریت کنش‌های داوطلبانه)؛

۴. معیت دولت - خانواده - بخش خصوصی (جهت‌دهی بازار به سمت مسکن معیشتی)؛

۵. معیت دولت - خانواده - بخش خصوصی توسعه‌یافته (به‌کارگیری ابزارهای مالی اسلامی).

این الگو در یک پیوستار عملیاتی، در هفت بُعد کلیدی، قابل انشعاب است: نخست، بُعد انگیزشی که طیفی از مشارکت‌های خیرخواهانه محض تا الگوهای سودمحور اقتصادی را دربر می‌گیرد؛ دوم، بُعد مدل‌های بازاری که از الگوهای غیربازاری کامل نظیر وقف، تا مدل‌های تجاری و سرمایه‌گذاری خصوصی امتداد دارد؛ سوم، بُعد منابع تأمین مالی که از بودجه‌های دولتی تا بازار سرمایه، نظام بانکی، ظرفیت‌های بخش خصوصی و منابع مردمی را شامل می‌شود؛ چهارم، بُعد توان مالی زوجین که از گروه‌های غیرتوانمند و نیازمند حمایت مستقیم تا زوجین خودکفا و توانمند متغیر است؛ پنجم، بُعد توانمندسازی که پیوستاری از وابستگی کامل تا خودکفایی پایدار را دربر می‌گیرد؛ ششم، بُعد حقوق بهره‌برداری از مسکن که از مالکیت کامل تا اشکال وقفی، اجاره‌ای یا اشتراکی را شامل می‌شود؛ و سرانجام، هفتمین بُعد، تنوع الگوهای نهادی است که بسته به نوع رابطه میان دولت، مردم و نهادهای دینی، درجات متفاوتی از تمرکز، نظارت و مشارکت را نشان می‌دهد.

ویژگی برجسته این ساختار، درهم‌تنیدگی و تأثیر متقابل این ابعاد است. این هفت بُعد، در رابطه‌ای تعاملی، یکدیگر را متأثر می‌سازند و به الگوی معیت، جامعیت، پویایی و انعطاف می‌بخشند. به عنوان نمونه، انگیزه مشارکت خیرخواهانه معمولاً با مدل‌های غیربازاری مانند وقف و منابع مردمی هماهنگ است و به‌طور طبیعی، بر گروه‌های زوجین با توان مالی پایین متمرکز می‌شود. در مقابل، انگیزه‌های سودمحور، با الگوهای تجاری، سرمایه‌گذاری

و منابع بازار سرمایه همسو شده و برای زوجین دارای توان اقتصادی بالاتر کارایی دارد.

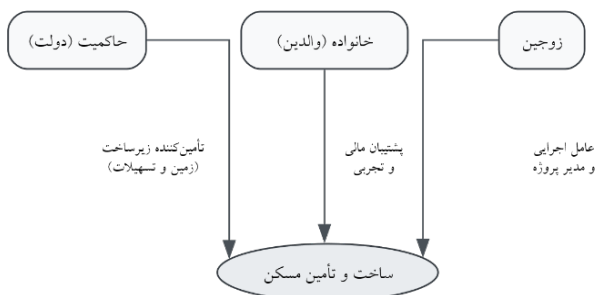
این تنوع ساختاری، الگوی معیت را از یک‌بعدی بودن رها ساخته و امکان پوشش طیف وسیعی از نیازهای اجتماعی را فراهم می‌کند. بدین صورت، تضمین می‌کند که هیچ زوجی از دستیابی به مسکن محروم نماند. این الگو به‌عنوان نظامی پویا و عدالت‌محور، از طریق بسیج هم‌زمان ظرفیت‌های مختلف جامعه، قادر به رفع شکاف ساختاری در تأمین مسکن است. انعطاف و جامعیت، وجه ممیزه معیت بوده و آن را به چارچوبی راهبردی برای هم‌افزایی دولت و امت تبدیل می‌کند.

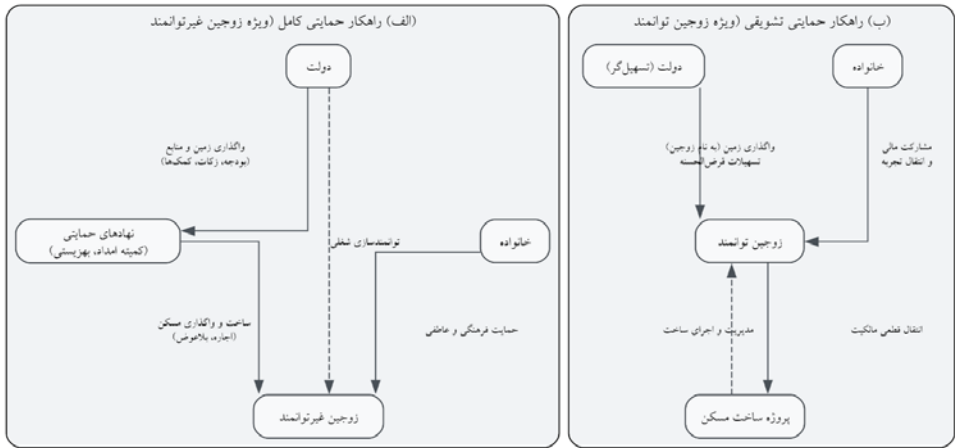
۱. راهبرد معیت دولت - خانواده

نخستین راهبرد فرعی از کلان راهبرد معیت، بر تعامل مستقیم دولت و خانواده برای توانمندسازی زوجین متمرکز است؛ زیرا اگرچه خانواده، نخستین نهاد حمایتگر از ازدواج است، اما برای ایفای نقش مؤثر نیازمند حمایت ساختاری دولت است. دولت با واگذاری زمین، اعطای تسهیلات مالی و تسهیل فرآیندهای ساخت، بستری فراهم می‌کند تا خانواده بتواند نقش سستی خود در حمایت از ازدواج را به‌طور کامل ایفا کند.

در این راهبرد، رابطه‌ای سه‌جانبه و هم‌افزا بین حاکمیت (تأمین زیرساخت)، خانواده (پشتیبان مالی و تجربی) و زوجین (عامل اجرایی) شکل می‌گیرد. این سه ضلع در کنار یکدیگر، فرآیند تأمین مسکن را از وابستگی به سمت خوداتکایی هدایت می‌کنند.

راهبرد معیت دولت-خانواده برای تأمین مسکن





شکل ۱: راهبرد معیت دولت - خانواده

الگوی معیت دولت - خانواده در دو شاخه مکمل طراحی شده است.

۱-۱. راهکار حمایتی کامل (ویژه زوجین غیر توانمند مالی)

این راهکار مختص زوجینی است که تحت پوشش نهادهای حمایتی قرار داشته و فاقد توانایی مالی برای ساخت و ساز هستند. در این الگو، دولت زمین و منابع مالی (از بودجه عمومی، زکات و کمک‌های مردمی) را تأمین می‌کند و نهادهای حمایتی، عملیات ساخت را اجرا می‌کنند. نقش دولت سه‌گانه است: تأمین منابع، حمایت بلاعوض و توانمندسازی از طریق ایجاد فرصت‌های شغلی. خانواده نیز با ترویج فرهنگ کار و قناعت، نقش فرهنگی - تربیتی خود را ایفا می‌کند. شکل واگذاری از اجاره ارزان تا مالکیت کامل متغیر است.

۱-۲. راهکار حمایتی تشویقی (ویژه زوجین توانمند و نیمه‌توانمند از جهت مالی)

این راهکار برای زوجینی طراحی شده که توانایی نسبی مالی و انگیزه مشارکت دارند. در این مدل، زمین به نام خود زوجین واگذار شده و آنان با ترکیب پس‌انداز شخصی، حمایت خانواده و تسهیلات دولتی، مدیریت ساخت را بر عهده می‌گیرند. دولت نقش تسهیل‌گر دارد با واگذاری زمین با قیمت حمایتی، اعطای وام قرض‌الحسنه و ساده‌سازی فرآیندهای اداری. خانواده با مشارکت مالی و انتقال تجربه، و زوجین با روحیه خودیاری، سه ضلع اصلی این همکاری هستند. نتیجه نهایی، انتقال قطعی مالکیت پس از تکمیل پروژه است.

۲. راهبرد معیت دولت - خانواده - خویشاوندان

در راهبرد فرعی دوم از الگوی معیت، مثلث حمایتی بین دولت، خانواده و خویشاوندان شکل می‌گیرد. این الگو

با بهره‌گیری از همبستگی اجتماعی شبکه خویشاوندی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، پیوندهای عاطفی را به سرمایه اقتصادی برای تسهیل ازدواج جوانان تبدیل می‌کند.

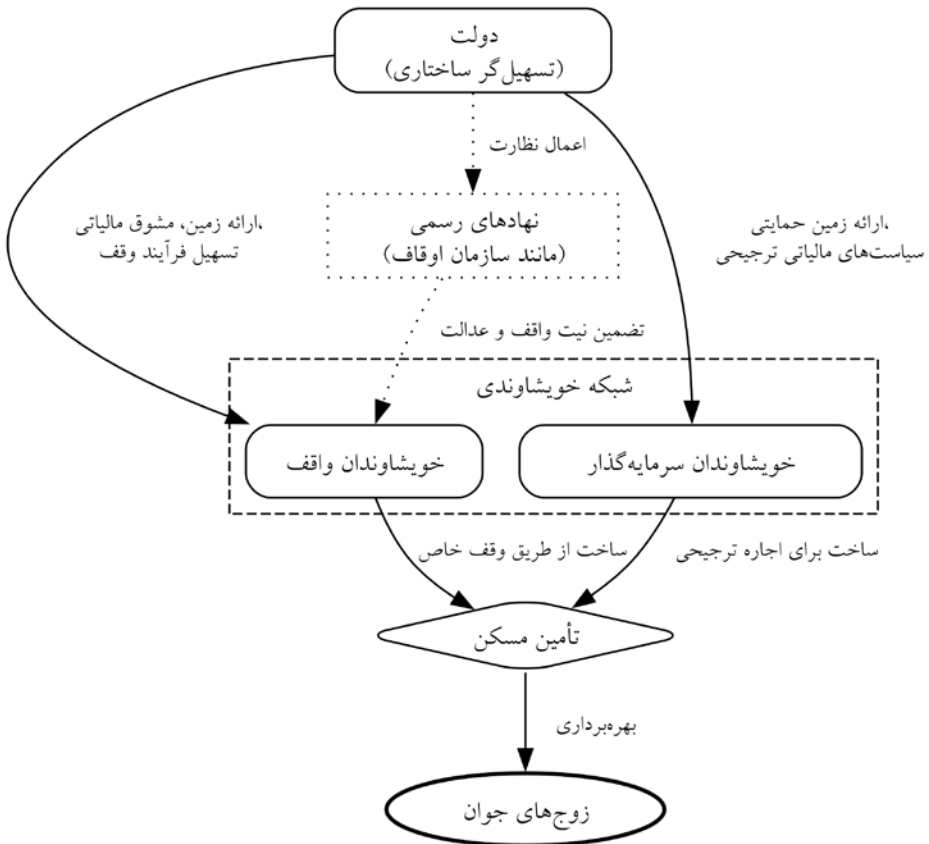
در این مدل، دولت از طریق واگذاری زمین، تدوین چارچوب حقوقی شفاف، اعطای مشوق‌های مالیاتی و نظارت بر اجرا، بستری رسمی برای مشارکت خویشاوندان در تأمین مسکن ایجاد می‌کند.

خویشاوندان به دو دسته واقف و سرمایه‌گذار تقسیم می‌شوند. خویشاوندان واقف با بهره‌گیری از سنت وقف، واحدهای مسکونی را بر روی زمین‌های وقفی یا دولتی احداث کرده و به‌عنوان «وقف خاص» در اختیار زوجین نیازمند خویشاوند دور و نزدیک قرار می‌دهند. دولت با فراهم کردن زمین‌های مناسب، اعطای تسهیلات مالیاتی و تسهیل فرآیند ثبت وقف‌نامه‌های خانوادگی، نقش حمایتی خود را ایفا می‌کند.

در مقابل، خویشاوندان سرمایه‌گذار با رویکردی اقتصادی‌تر اما همچنان خانوادگی، در ساخت و اجاره مسکن برای بستگان خود مشارکت می‌کنند. دولت زمین را با شرایط حمایتی در اختیار آنان قرار داده و از طریق سیاست‌های مالیاتی ترجیحی، انگیزه سرمایه‌گذاری در اجاره‌داری منصفانه را تقویت می‌کند.

خویشاوندان در این طرح، با تأمین سرمایه ساخت و مدیریت فرآیند احداث، واحدهای مسکونی را با اجاره‌بهای پایین یا به‌صورت رایگان در اختیار زوجین جوان خویشاوند قرار می‌دهند. به این ترتیب، نوعی «بخش خصوصی خرد خانوادگی» شکل می‌گیرد که برخلاف سرمایه‌گذاری‌های سوداگرانه در بازار مسکن، کارکردی حمایتی، پایدار و اخلاقی دارد.

در هر دو شکل وقف خویشاوندی و اجاره ترجیحی، روابط عاطفی و اعتماد درون خانوادگی اساس موفقیت الگو را تشکیل می‌دهد. نتیجه این فرآیند، پیدایش «اقتصاد خانوادگی توسعه‌گرا» است که در آن منابع مالی و زمین‌های بلااستفاده در خدمت رفاه نسل جدید قرار می‌گیرند. این راهبرد به دولت کمک می‌کند تا از ظرفیت‌های مردمی در قالبی منظم بهره‌گیرد و فاصله میان سیاست‌های کلان و نیازهای خرد خانواده‌ها را کاهش دهد.



شکل ۲: سازوکار همیاری دولت، خانواده و خویشاوندان برای مسکن زوج‌های جوان

۳. راهبرد معیت دولت - خانواده - مردم جهادی

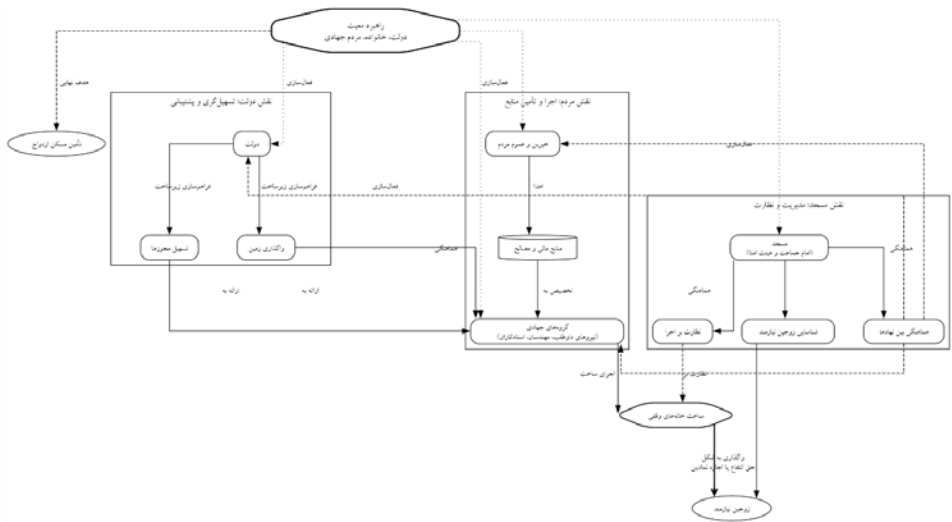
این راهبرد، نقطه تلاقی ایمان، همبستگی اجتماعی و کنش داوطلبانه در تأمین مالی ازدواج محسوب می‌شود. در این چارچوب، دولت با نقشی فعال، زیرساخت نهادی و قانونی لازم برای فعالیت گروه‌های مردمی را از طریق واگذاری زمین‌های بلااستفاده، تسهیل مجوزها و کاهش موانع اداری فراهم می‌سازد. در سوی دیگر، خانواده و نهادهای محلی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی خود به بازیگران اصلی عرصه عمل تبدیل می‌شوند. در مرکز این سازمان‌دهی، مسجد به‌عنوان نهادی ریشه‌دار و مورد اعتماد، نقش کانونی در هماهنگی بین خیرین، مردم و گروه‌های جهادی ایفا می‌کند.

در عمل، مسجد با تکیه بر امام‌جماعت و هیئت امناء، مسئولیت شناسایی زوجین نیازمند، اولویت‌بندی متقاضیان و نظارت بر اجرای طرح‌های مسکن را بر عهده می‌گیرد. گروه‌های جهادی متشکل از داوطلبان،

مهندسان و استادکاران به‌عنوان بازوی اجرایی، با استفاده از منابع و مصالح اهدایی مردم، واحدهای مسکونی را با هزینه‌ای به مراتب کمتر از ساخت‌وسازهای دولتی برای زوجین کم‌برخوردار احداث می‌کنند.

از این همکاری، ایده ساخت خانه‌های وقفی برای ازدواج متولد می‌شود. در این مدل، زمین‌های وقفی یا دولتی در اختیار گروه‌های جهادی قرار گرفته و با کمک‌های مردمی و نظارت مسجد، واحدهای مسکونی وقفی برای زوجین احداث می‌شود. این خانه‌ها به‌صورت حق انتفاع بلندمدت یا اجاره نمادین در اختیار زوجین قرار می‌گیرد.

ویژگی کلیدی این مدل، قابلیت بومی‌سازی و تکرار در مقیاس محلی است. هر مسجد می‌تواند با توجه به نیازها و منابع خود، طرحی کوچک مقیاس از خانه‌های وقفی اجرا کند. این ساختار شبکه‌ای، استمرار پروژه‌ها بدون وابستگی کامل به دولت را ممکن ساخته و از تمرکزگرایی ناکارآمد جلوگیری می‌کند و سازوکاری کارآمد برای تأمین مسکن ازدواج ارائه می‌کند.



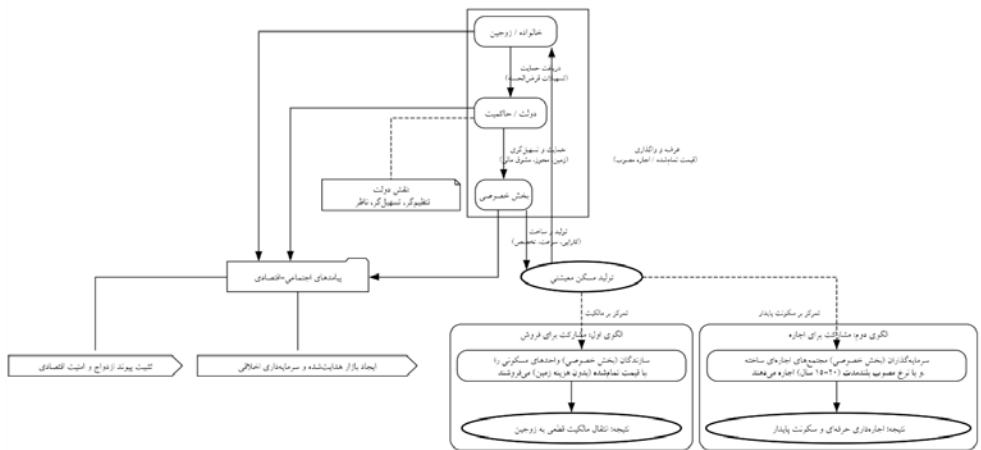
شکل ۳: راهبرد معیت دولت، مسجد و مردم برای تأمین مسکن ازدواج

۴. راهبرد معیت دولت - خانواده - بخش خصوصی

این راهبرد با هدف هدایت ظرفیت‌های بازار به سمت تأمین مسکن جوانان، به بخش خصوصی امکان می‌دهد با استفاده از زمین حمایتی، مجوزهای سریع و مشوق‌های مالی، در تولید مسکن ارزان سرمایه‌گذاری کند.

این راهبرد دو نوع اصلی دارد: «مشارکت برای فروش» با هدف انتقال مالکیت مسکن به زوجین، و «مشارکت برای اجاره» برای توسعه اجاره‌داری پایدار. در نوع نخست، دولت زمین را به‌صورت رایگان یا بسیار ارزان در اختیار

سازندگان قرار می‌دهد، به شرطی که واحدها با قیمت تمام‌شده (بدون ارزش زمین) به زوجین فروخته شود. دولت از طریق تأمین زمین، تنظیم قیمت، نظارت بر کیفیت و ارائه تسهیلات قرض الحسنه از خریداران حمایت می‌کند. در نوع «مشارکت برای اجاره»، زمین و تسهیلات حمایتی در اختیار سرمایه‌گذاران خصوصی قرار می‌گیرد تا واحدهای مسکونی به هدف بهره‌بردی حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال جهت اجاره، احداث کنند. این واحدها با قراردادهای میان مدت (برای چند سال) و نرخ مصوب به زوجین اجاره داده می‌شوند. دولت با تعیین شیوه قیمت‌گذاری، شاخص‌های تعدیل سالانه و اعطای وام قرض الحسنه، هم از سوداگری جلوگیری می‌کند و هم هزینه ساخت را کاهش می‌دهد. این سازوکار، در واقع نوعی «بازار هدایت‌شده» ایجاد می‌کند.



شکل ۴: چرخه همکاری دولت، بخش خصوصی و خانواده برای مسکن معیشتی

۵. راهبرد معیت دولت - خانواده - بخش خصوصی توسعه‌یافته

نوین‌ترین سطح از الگوی معیت، در پیوند میان دولت، خانواده و نظام مالی اسلامی، در بستر بازار سرمایه و از طریق ابزارهای مالی نوین همچون صکوک، اوراق اجاره و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تخصصی تحقق می‌یابد. در این چارچوب، نقش دولت، بسترسازی، سیاست‌گذاری و نظارت کلان است و از طریق، واگذاری زمین، تدوین مقررات شفاف، اعطای مشوق‌های مالیاتی و نظارت بر نهادهای مالی، بستر مشارکت گسترده مردم را در طرح‌های ساخت مسکن فراهم می‌سازد. نهادهای مالی مانند بانک‌های توسعه‌ای، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه، مسئول طراحی ابزارهای مالی اسلامی، انتشار اوراق، مدیریت وجوه و نظارت بر حسن اجرای طرح‌ها هستند. بخش خصوصی و سازندگان نیز در نقش مجریان فنی، مأمور ساخت و بهره‌برداری می‌شوند. در نوع «اوراق مسکن» - به‌عنوان یکی از انواع اصلی این راهبرد - هر فرد با خرید این اوراق، به نسبت

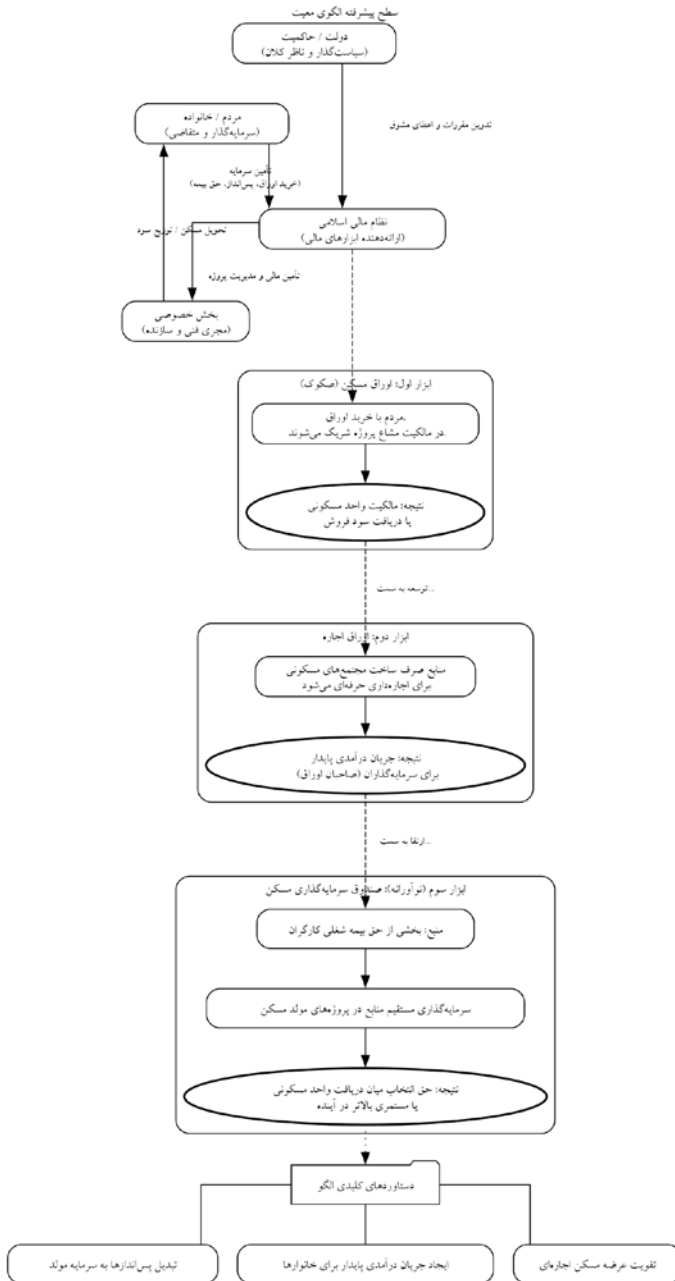
سهم خود در مالکیت مشاع طرح شریک می‌گردد. این سازوکار علاوه بر هدایت منابع مالی کلان از مسیرهای غیرمولد به سمت تولید مسکن، به مردم امکان می‌دهد تا به‌جای نقش صرفاً مصرف‌کننده، در جایگاه سرمایه‌گذار و مالک ایفای نقش کنند.

نوع «اوراق اجاره» با هدف توسعه اجاره‌داری حرفه‌ای و بلندمدت طراحی شده است. در این مدل، منابع مالی از طریق انتشار صکوک اجاره تأمین می‌شود و نهادهای مالی یا شرکت‌های تخصصی، مجتمع‌های مسکونی اجاره‌ای احداث می‌کنند. مالکیت آن به صاحبان اوراق تعلق دارد و مدیریت حرفه‌ای ساختمان به عهده شرکت‌های اجاره‌داری است. سود خالص حاصل از اجاره‌بها، میان سهام‌داران توزیع می‌شود. دولت از طریق تصویب آیین‌نامه تعیین اجاره‌ها، اعمال نظارت حقوقی و ارائه مشوق‌های مالیاتی، نقش تنظیم‌گر بازار و تضمین‌کننده عدالت در توزیع منافع را ایفا می‌کند.

نوآورانه‌ترین بخش این راهبرد، شکل‌گیری «صندوق سرمایه‌گذاری مسکن» است که پیوندی ساختاری میان نظام تأمین اجتماعی و سیاست مسکن ایجاد می‌کند. در این سازوکار، بخشی از حق بیمه شغلی کارگران - به‌جای ورود به صندوق‌های بازنشستگی - به صندوق مستقل مسکن هدایت می‌شود. این منابع مستقیماً در ساخت مسکن اجاره‌ای سرمایه‌گذاری شده و سود حاصل از اجاره‌بها به‌صورت دوره‌ای به سهام‌داران توزیع می‌گردد. کارگران به‌عنوان سهام‌داران این صندوق، در آینده حق انتخاب خواهند داشت؛ دریافت واحد مسکونی معادل سهام خود، یا ادامه دریافت مستمری از محل درآمدهای اجاره‌ای.

از منظر نهادی، وظیفه دولت و مجلس شورای اسلامی، تدوین چارچوب‌های قانونی برای تضمین استقلال مالی صندوق‌ها، تفکیک حساب‌ها و شفاف‌سازی عملکرد است. همچنین نظارت دقیق بر جریان منابع و جلوگیری از اختلاط آنها با سایر مصارف بیمه‌ای، پیش‌شرط اعتماد عمومی محسوب می‌شود.

در نهایت، نظام مالی اسلامی از طریق این سازوکار، به ابزاری برای تحقق عدالت سکونت، تقویت سرمایه اجتماعی و پایداری بازار مسکن ازدواجی تبدیل می‌شود.



شکل ۵: سطح پیشرفته الگوی معیت

راهبردهای پشتیبان و مکمل سیاست‌های اصلی

در کنار راهبردهای اصلی ساخت مسکن، سه راهکار تکمیلی مطرح می‌شود که شرایط لازم برای تحقق پایداری مالی، عدالت توزیعی و پویایی بازار را فراهم می‌سازند.

۱. تأمین مالی خرد

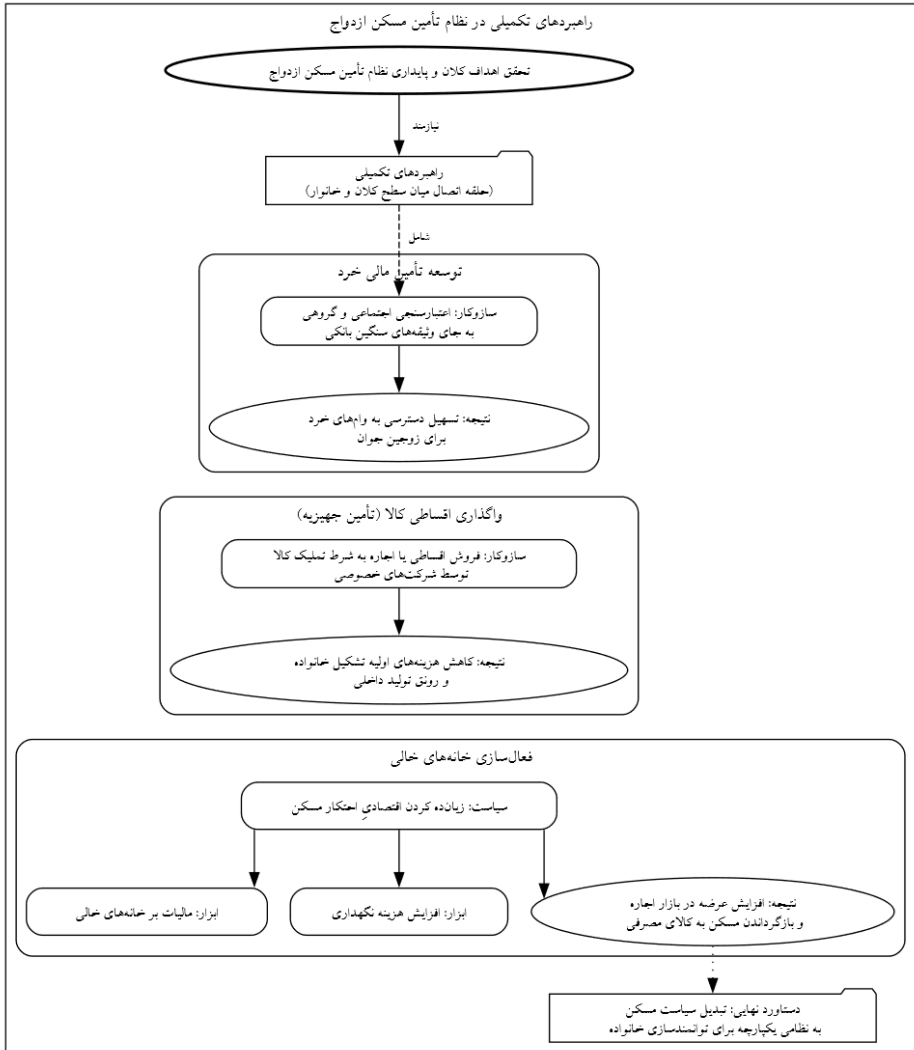
با هدف رفع مانع وثیقه‌های سنگین بانکی برای زوجین جوان طراحی شده است. نهادهای تأمین مالی خرد با اتکا به اعتبارسنجی اجتماعی و گروهی - به جای وثیقه ملکی - امکان دریافت تسهیلات خرد را فراهم می‌کنند. این نهادها نه تنها دسترسی به وام‌های کوچک برای هزینه‌های اولیه ازدواج را تسهیل می‌کنند، بلکه با سازوکارهای مشارکتی مبتنی بر اعتماد اجتماعی، به تقویت همبستگی اجتماعی و ظرفیت اقتصادی محلات می‌پردازند.

۲. واگذاری اقساطی کالا (تأمین جهیزیه)

اگرچه به ظاهر از حوزه مسکن فاصله دارد، اما در عمل بخشی از فرآیند استقرار خانواده و سکونت پایدار محسوب می‌شود. در این الگو، شرکت‌های خصوصی تحت نظارت دولت، کالاهای ضروری زندگی را به صورت فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک در اختیار زوجین قرار می‌دهند. برای جلوگیری از آسیب فروشندگان خرد، ضروری است آنان با یکدیگر شبکه‌سازی راهبردی داشته باشند تا بتوانند در کنار بخش خصوصی قدرتمند به عرضه کالاهای اقساطی بپردازند. این پیوند سازنده بین سیاست‌های حمایت از خانواده و تقویت تولید داخلی، از یک سو دسترسی خانواده‌ها به کالاهای باکیفیت و مقرون به صرفه را ممکن ساخته؛ و از سوی دیگر تقاضایی پایدار برای تولید داخلی ایجاد می‌کند.

۳. فعال‌سازی خانه‌های خالی

فعال‌سازی خانه‌های خالی از طریق ابزارهای مالیاتی و قانونی، پاسخی به معضل احتکار دارایی‌های ملکی است. دولت می‌تواند با وضع مالیات بر خانه‌های خالی، افزایش هزینه نگهداری دارایی غیرمولد و اجاره اجباری در مواقع بحرانی، نگهداری این واحدها را از نظر اقتصادی زیان‌بار سازد. این سیاست‌ها ضمن افزایش عرضه واقعی در بازار اجاره، از رفتارهای سوداگرانه جلوگیری کرده و مسکن را به کالایی مصرفی و اجتماعی بازمی‌گردانند. این راهکارهای تکمیلی در کنار سایر سیاست‌ها، به تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش هزینه‌های تشکیل خانواده، رونق تولید داخلی و افزایش عرضه مسکن منجر شده و کارکرد اجتماعی مسکن را احیا می‌کند.



شکل ۶: راهبردهای تکمیلی در نظام تأمین مسکن

پیش‌نیازها و بسترهای اجرایی راهبردها

اجرای مؤثر راهبردهای الگوی معیت در حوزه تأمین مسکن و ازدواج، مستلزم توجه هم‌زمان به سه سطح پیش‌نیازها، الزامات و بسترهای اجرایی است. پیش‌نیازها به شرایط فرهنگی و اجتماعی لازم قبل از اجرا، الزامات به ساختارهای حقوقی و نهادی ضروری برای اجرا، و بسترهای اجرایی به زمینه‌های عملیاتی برای استمرار طرح اشاره دارند.

در سطح پیش‌نیازها، بنیان فرهنگی جامعه اسلامی جایگاهی محوری دارد. تربیت توحیدی، فرهنگ قناعت و روحیه جهادی، زمینه روانی و اخلاقی مشارکت‌های داوطلبانه را فراهم می‌کنند. در این چارچوب، ازدواج و مسکن به‌مثابه عرصه‌ای از تعاون ایمانی درک می‌شوند. نهادهای فرهنگی مانند خانواده، مدارس و مساجد از طریق ترویج ارزش‌های تعاون و اعتماد اجتماعی، سرمایه فرهنگی لازم برای موفقیت و پایداری الگوی معیت را تولید می‌کنند.

در سطح الزامات اجرایی، سیاست «عرضه گسترده زمین» به‌عنوان اهرم راهبردی اصلی، نیازمند چارچوب حقوقی شفاف، سازوکارهای نظارتی دقیق و ساختار نهادی منسجم است. سهم بالای زمین در هزینه نهایی ساخت‌وساز موجب شده است که هرگونه کاهش در بهای زمین، به‌طور مستقیم بر توان اقتصادی خانواده‌های جوان تأثیر گذارد. واگذاری زمین به زوجین، تعاونی‌های مسکن و گروه‌های جهادی نه‌تنها بخشی از هزینه اولیه را حذف می‌کند، بلکه از طریق ایجاد دارایی مولد، ثبات اقتصادی و تاب‌آوری معیشتی خانواده را تقویت می‌نماید. منابع زمین می‌تواند از انفال، اراضی مازاد دولتی و عمومی، زمین‌های وقفی فعال‌سازی‌شده، یا اراضی بلااستفاده بخش خصوصی تأمین گردد. استقرار نظام‌های شفاف ثبت اطلاعات، محدودیت زمانی در نقل‌وانتقال، و پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی برای تخلفات، از جمله این الزامات به‌شمار می‌رود. از آنجا که حاکمیت در خصوص تأمین مسکن مسئول است و از آنجا که انفال در اختیار حاکمیت است، پس حاکمیت لازم است به واگذاری زمین اقدام نماید.

افزون بر این، تلفیق سیاست زمین با ابزارهای توانمندسازی مالی مانند نهادهای تأمین مالی خرد و صندوق‌های قرض‌الحسنه محلی، استفاده مؤثر از زمین تخصیص‌یافته را برای خانواده‌ها ممکن می‌سازد. هم‌زمان، با به‌کارگیری ابزارهای تنظیمی مانند مالیات بر خانه‌های خالی و کنترل سوداگری در بازار مسکن، عرضه واقعی افزایش می‌یابد. از منظر عدالت قضایی، توزیع زمین باید بر اساس نیاز واقعی، ظرفیت محلی و اصول پایداری صورت گیرد. تخصیص منابع در مناطق دارای زیرساخت‌های قابل توسعه، با اولویت‌دهی به زوجین جوان و خانواده‌های کم‌درآمد، توازن اجتماعی را تضمین و از پراکندگی بی‌رویه شهری جلوگیری می‌کند. برای تحقق این هدف، ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده میان‌بخشی ضروری است که مسئولیت شناسایی و تخصیص اراضی، طراحی بسته‌های حمایتی ترکیبی و تضمین شفافیت در اجرا را بر عهده گیرد.

در نهایت، مرحله‌بندی اجرای طرح‌ها و طراحی پروژه‌های آزمایشی در مقیاس‌های محدود می‌تواند به استخراج تجربیات میدانی و اصلاح تدریجی سیاست‌ها منجر شود. پایش مستمر، ارزیابی نتایج کمی و کیفی، و مشارکت نهادهای مدنی در فرآیند نظارت، از ملزومات موفقیت بلندمدت چنین سیاستی است.

چالش‌ها، ریسک‌ها و محدودیت‌های اجرایی الگوی معیت

الگوی «معیت دولت و مردم» در مسیر اجرا با چهار چالش عمده روبه‌رو است که مدیریت هوشمندانه آنها برای موفقیت طرح ضروری می‌باشد. نخستین چالش، ریسک فساد و رانت خواری در واگذاری زمین‌های حمایتی است که با راهکارهای عملی همچون استقرار سامانه ملی شفاف، وضع قیود حقوقی (مانند ممنوعیت انتقال ۱۰ تا ۱۵ ساله) و بهره‌گیری از نهادهای محلی مانند هیئت‌های امنای مساجد قابل کنترل خواهد بود؛ دومین چالش، ناهماهنگی بین‌نهادی و پیچیدگی بروکراسی است که با ایجاد «شورای عالی معیت» به‌عنوان نهاد راهبری فرابخشی و طراحی «پنجره واحد خدمات» برای ساده‌سازی فرآیندها قابل حل می‌باشد؛ سومین مانع جدی، محدودیت منابع مالی و پشتیبانی دولت است که از طریق بسیج ظرفیت‌های مردمی، اجرای مرحله‌ای طرح در شهرهای کوچک، استفاده از اراضی وقفی و جذب مشارکت بخش خصوصی و خیرین قابل جبران است. در این مسیر، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی می‌تواند با سازماندهی نیروهای جهادی، در شناسایی و آماده‌سازی زمین‌های مناسب نقش محوری ایفا کند؛ در نهایت، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی مانند تجمل‌گرایی و تغییر ارزش‌های خانوادگی، نیازمند تدوین پیوست فرهنگی - اجتماعی و ترویج فرهنگ ازدواج آسان از طریق رسانه‌ها و نهادهای آموزشی می‌باشد. بدین ترتیب، موفقیت الگوی معیت در گرو مدیریت هم‌زمان این چالش‌ها از طریق ترکیبی از راهکارهای شفافیت، حکمرانی متمرکز، بسیج مردمی و اصلاح فرهنگی است.

نتیجه‌گیری

این مقاله در راستای پاسخگویی به چالش‌های ساختاری تأمین مالی ازدواج و مسکن جوانان در ایران، تلاش نموده است تا بر مبنای مبانی نظری و شواهد تجربی، الگویی جامع با عنوان «معیت دولت و مردم» را صورت‌بندی نماید. این الگو با تکیه بر مبانی اندیشه اسلامی، تلاشی است برای گذر از الگوهای تک‌بعدی، دولتی یا بازارمحور، و حرکت به سوی شبکه‌ای هم‌افزا از کنش‌های فردی، خانوادگی، خویشاوندی، اجتماعی و حاکمیتی.

خانواده در اسلام نهادی مقدس و محوری است که کارکردهای تربیتی، معنوی و تمدنی دارد. تأمین مالی ازدواج، به‌ویژه در حوزه مسکن، یک مسئولیت شبکه‌ای و سلسله‌مراتبی است که بر عهده زوجین، خویشاوندان، جامعه و در نهایت دولت می‌باشد و موفقیت آن مستلزم هماهنگی و همکاری همه این سطوح در چارچوب راهبرد «همیاری دولت و مردم» است.

تحلیل مبانی نظری در این پژوهش نشان داد که تأمین مالی ازدواج و مسکن جوانان، نه صرفاً یک مسئله اقتصادی، بلکه پدیده‌ای چندسطحی و شبکه‌ای است که تحقق آن نیازمند هم‌زمانی و تعامل میان چهار رکن اصلی می‌باشد:

- زوجین به‌عنوان کنشگران فعال با تکیه بر توکل و قناعت، فرهنگ کار و پس‌انداز هدفمند.
- خانواده و خویشاوندان به‌عنوان نخستین حلقه حمایتی مالی، عاطفی و اخلاقی.
- عموم مؤمنین در قالب جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر با ابزارهایی نظیر وقف، قرض‌الحسنه و تعاون اجتماعی با رویکرد جهادی.
- دولت اسلامی در دو مقام؛ یکی در جایگاه هدایتگر، بسترساز، تنظیم‌گر و ناظر کلان بر تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی، و دیگری در مقام حمایتگری به‌ویژه برای نیازمندان.
- بر اساس این مبانی، پنج راهبرد عملیاتی به‌عنوان تجسم عینی فلسفه «معیت» طراحی و تبیین گردید. هریک از این راهبردها نمایانگر گونه‌ای از همکاری چندسطحی و شبکه‌ای میان ارکان فوق هستند:
۱. معیت دولت - خانواده: با تمرکز بر توانمندسازی زوجین از طریق واگذاری زمین و تسهیلات مسکن.
 ۲. معیت دولت - خانواده - خویشاوندان: تقویت پیوند خویشاوندی با فعال‌سازی سرمایه مالی شبکه خویشاوندی از مسیرهایی چون وقف خاص یا اجاره‌داری ترجیحی.
 ۳. معیت دولت - خانواده - مردم جهادی: از طریق بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای محلی و مردمی نظیر مسجد و گروه‌های جهادی برای ساخت مسکن وقفی.
 ۴. معیت دولت - خانواده - بخش خصوصی: با هدایت بازار به سمت تولید مسکن معیشتی و ایجاد انگیزه‌های اقتصادی برای مشارکت کارآمد بخش خصوصی.
 ۵. معیت توسعه‌یافته با بازارهای رسمی: با استفاده از ابزارهای نوین مالی اسلامی جهت پیوند دادن نظام تأمین اجتماعی، بازار سرمایه و سیاست‌های حمایتی دولت.
- در کنار این راهبردهای اصلی، مجموعه‌ای از راهکارهای تکمیلی همچون توسعه تأمین مالی خرد، طرح‌های واگذاری اقساطی کالاهای اساسی برای جهیزیه، و کنترل سوداگری از طریق مالیات بر خانه‌های خالی، به‌عنوان اجزای مکمل الگو مورد توجه قرار گرفتند. این مجموعه، نظامی پویا و چندلایه را شکل می‌دهد که می‌تواند برای طیف‌های گوناگون زوجین - از اقشار نیازمند تا طبقه متوسط - پاسخ‌های متناسب و مرحله‌بندی‌شده ارائه کند.
- برای اجرای مؤثر راهبرد «معیت دولت و مردم» در حوزه تأمین مسکن و ازدواج، پیش‌نیازهای فرهنگی مبتنی بر ترویج ارزش‌هایی مانند قناعت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مقابله با چالش‌هایی چون تجمل‌گرایی از طریق تدوین پیوست فرهنگی و رسانه‌ای ضروری است. در سطح الزامات ساختاری، عرضه گسترده زمین همراه با تدوین چارچوب حقوقی شفاف و ایجاد نهادهای نظارتی منسجم مانند «شورای عالی معیت» و استقرار سامانه ملی شفاف برای پیشگیری از فساد، نقش محوری دارد. در نهایت، بسترهای اجرایی از طریق تلفیق این سیاست‌ها

با ابزارهای عملیاتی مانند وام‌های خرد، صندوق‌های قرض‌الحسنه، بسیج ظرفیت‌های مردمی و اجرای آزمایشی در شهرهای کوچک، تحقق عینی و پایدار این الگو را ممکن می‌سازد.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که در چارچوب الگوی معیت، زمین رایگان نه تنها به‌عنوان یک دارایی کالبدی، بلکه به‌مثابه ابزار راهبردی برای بازتولید سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی عمل می‌کند. واگذاری زمین در این چارچوب، انگیزه جوانان را برای تشکیل خانواده تقویت کرده، هزینه ساخت را کاهش می‌دهد و زمینه هم‌افزایی میان دولت و جامعه را فراهم می‌سازد.

در جمع‌بندی نهایی، الگوی «معیت دولت و مردم» صرفاً یک طرح سیاستی محدود نیست، بلکه طرحی تمدنی است که می‌کوشد مسئله مسکن و ازدواج جوانان را از سطح بحران اقتصادی به سطح بازآفرینی امید، همبستگی اجتماعی و اخلاقی ارتقا دهد. این الگو با پیوند دادن ایمان، عقلانیت نهادی و عدالت اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای خانواده‌محور، کارآفرین و همبسته گردد؛ جامعه‌ای که در آن، همیاری دولت و مردم نه در قالب یارانه و وابستگی، بلکه در چارچوب مسئولیت متقابل، اعتماد اجتماعی و عدالت توزیعی معنا می‌یابد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳). العبر. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- افشار، اباذر، موحدی‌نیا، مهدی و الله‌قلی‌پور، احد (۱۳۹۸). واکاوی ماهیت و جواز شیربها از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه. *مطالعات اسلامی زنان و خانواده*، ۱۶(۱)، ۶۴-۴۶.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۴). گزارش تحولات بازار معاملات مسکن شهر تهران. معاونت اقتصادی بانک مرکزی. بازیابی شده از: <https://cbi.ir/publications/>
- بتشکن، محمدهاشم و ملک، هومن (۱۴۰۱). تأمین مالی مسکن. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق.). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۴۰۵ق.). دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خان محمدی، هادی، اصلی‌پور، حسین، یغمائیان، معصومه و عسکری باقرآبادی، محبوبه (۱۴۰۳). شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی خانواده در ایران. *زنان و خانواده*، ۱۹(۶۶)، ۱۳۶-۱۵۶.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- راستی‌زائی، ناصر (۱۳۸۵). موانع ازدواج دختران. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۳(۴)، ۱۰۸-۹۱.
- زیاری، سمیه، فرهودی، رحمت‌الله، پوراحمد، احمد و حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۹۶). الگوی تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد (مطالعه موردی: شهر کرج). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۹(۴)، ۸۸۳-۸۶۹.
- سبحانی‌صدر، حمید (۱۳۹۹). راهبرد اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. قم، واژه‌پرداز اندیشه.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۶). الگوی تأمین اجتماعی در اقتصاد اسلامی. مشهد: حوزه علمیه خراسان.
- حسین‌زاده یزدی، سیدسعید (۱۳۹۶). بررسی اقتصاد مقاومتی در سیره اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. مشهد: حوزه علمیه خراسان.
- موسوی لقمان، سیده‌اشرف، معینی، علیرضا و رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۸). تحلیل مضمون سیاست‌های اقتصاد خانواده در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۱(۸۳)، ۸۱-۱۰۴.
- صادقی، محمد و احمدزاده، ابوالفضل (۱۳۹۹). جنبه‌های حقوقی و فقهی سنت شاباش به‌عنوان تأمین مالی ازدواج. حقوق اسلامی، ۱۷(۶۵)، ۱۸۳-۲۰۶.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۴۳ق.). الإسلام بقود الحیاة. قم: دار الصدر.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ولوی، علی‌محمد (۱۳۷۹). مدیریت در بحران پژوهشی موردی در مدیریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غزوة احزاب. *تاریخ اسلام*، ۱(۳)، ۷-۲۳.
- فعله‌گری، زینب، پروین، ستار و پارسامهر، مهربان (۱۳۹۷). واکاوی دلایل تأخیر ازدواج دختران: یک پژوهش کیفی. *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۱۶(۱)، ۱۲۷-۱۵۹.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

محقق داماد، مریم‌سادات (۱۳۹۹). *نقدی حقوقی بر ماهیت کنونی جهیزه در ایران*. فقه و حقوق، ۲۵(۷۳)، ۱۰۳-۱۲۵.

هاشمی بصری، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۴ق). *الطبقات الكبرى*. محقق: محمد بن صامل السلمی. الطائف: مکتبه الصدیق.

محمدی، مهدی، اصلانی، فرشید و سیدی قهفرخی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۹). *موانع تأمین مالی بخش عمومی برای پروژه‌های*

عمرانی استان اصفهان با رویکرد چندمعیاره مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۸(۴)، ۱۰۱-۱۱۶.

مرادی، گلمراد و صفاریان، محسن (۱۳۹۱). *عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی*

شهر کرمانشاه). *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳(۷)، ۸۱-۱۰۸.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۴). *چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار: زمستان ۱۴۰۳*. بازیابی شده از:

<https://www.amar.org.ir>

مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). *نتایج تفصیلی طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۴۰۳*. بازیابی شده از:

<https://www.amar.org.ir>

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

اسدی، نصرالله، حسینی، سیدرضا و کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی (۱۴۰۰). *تحلیل کارکردهای اقتصادی تشکیل خانواده در*

اقتصاد اسلامی و اقتصاد سرمایه. *اقتصاد اسلامی*، ۲۱(۸۳)، ۱۳۳-۱۶۳.

هرورانی، حسین (۱۳۹۰). *مروری بر انواع فعالیت‌های نوین بیمه‌ای در صنعت بیمه جهان و موانع توسعه آنها در ایران (گزارش*

شماره ۱۲۱۶۶). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.

واقدی، محمد بن عمر (بی‌تا). *کتاب المغازی*. بیروت: دار الأعلمی.

Thévenon, O. (2011). Family policies in OECD countries: A comparative analysis.

Population and Development Review, 37(1), 57-87. <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2011.00390.x>.

1728-4457. 2011. 00390. x.